

## بررسی نقادانه وحی و کتاب مقدس در الاهیات کاتولیک

حمید بخشنده

### اشاره

از دیدگاه کلیسای کاتولیک، خدا از راه القای تدریجی سرّ خاصش به صورت اعمال و کلمات، خود را بر آدمی آشکار ساخته است. از آنجاکه کتاب مقدس به الهام الاهی نوشته شده، کتاب مقدس در حقیقت کلام خداست. به بیان دیگر، خدا مؤلف کتاب مقدس است؛ زیرا او آیات آن را به مؤلفان بشری الهام کرده است. همچنین خدا با فرستادن پسرش خود را کاملاً آشکار ساخت و عهدش را در او برای همیشه پایدار ساخت. این پسر کلمه نهایی پدر است، به طوری که وحی دیگری بعد از او نخواهد بود. اما در معرفت قرآنی، عیسی مسیح انسان مخلوق و بنده خدا است که آفرینشی ویژه، همانند آدم دارد؛ با این حال وجود وی هرگز خارج از نظام هستی و تدبیر خدا نیست. او در زمان خاصی تولد یافته است و قانون عمومی مرگ شامل حال او نیز می باشد. افزون بر این، از نظر اسلام، آخرین وحی الاهی با بعثت حضرت محمد ﷺ تحقق یافته است. مقاله حاضر در بخش اول، به بیان و نیز بررسی «وحی خدا» و ماهیت آن در الاهیات کاتولیک آن می پردازد؛ در بخش دوم، دیدگاه کلیسای کاتولیک را در باره «کتاب مقدس» بیان کرده، مورد نقادی قرار می دهد و در بخش سوم، نقطه نظر کلیسای کاتولیک مبنی بر پایان یافتن وحی پس از عیسی مسیح را مورد بحث و نقد قرار می دهد.

### مقدمه

وحی در سه دین بزرگ هم تبار - یهودیت، مسیحیت و اسلام - مقوله ای بنیادین از آگاهی

دینی است. انسان از خدا و اراده‌اش آگاه است، زیرا خدا آزادانه خود و صفات، هدف و دستورات خود را آشکار کرده است.<sup>۱</sup> در آغاز مقاله، معنای وحی و نیز تفاوت آن با برخی امور دیگر را بیان می‌کنیم و آنگاه به تاریخچه وحی پژوهی در مسیحیت اشاره می‌کنیم.

### معنا و کاربرد وحی

معادل انگلیسی وحی، از ریشه لاتین «*revelare*» و به معنای پرده برداشتن یا نمایان کردن است. در کاربرد معمول، این واژه به معنای دریافت ناگهانی و غیرمنتظره معرفتی است که دارای ویژگی حائز اهمیت فراوان است، به ویژه معرفتی که موجب پیدایش نگرش جدیدی نسبت به زندگی و دنیا برای دریافت‌کننده آن می‌شود.<sup>۲</sup>

لغت‌نامه زبان فرانسه<sup>۳</sup> سه معنای متمایز را برای وحی در متون یهودی - مسیحی ذکر کرده است:

۱) وحی طبیعی، یعنی خودآشکارسازی خدا از طریق خلقت و ضمیر انسان؛  
 ۲) وحی فراطبیعی، یعنی این‌که خدا از طریق کلماتی که به پیامبر خود خطاب می‌کند، معرفت به هستی خود، اراده خود، و طرح خود را آن‌گونه که در تاریخ آشکار شده است، به انسان ابلاغ می‌کند؛

۳) وحی مستقیم، یعنی ارتباطی که خدا مستقیماً با یکی از برگزیدگان خود، به‌ویژه از طریق مکاشفه یا گفت‌وگو، برقرار می‌سازد.<sup>۴</sup>

بنا به قاموس کتاب مقدس واژه وحی در کتاب مقدس در معانی زیر به کار رفته است:  
 ۱) نبوت مخصوص شهر، مملکت یا یک قوم (اعداد ۲:۲۴؛ دوم سموئیل ۱:۲۳؛ ۱:۱۵)؛

۲) رئیس، یعنی آیتی برای یک قوم (خروج ۱۰:۱۲)؛

1. "Revelation" in *Merriam-Webster's Encyclopedia of world Religions*, Springfield, Massachusetts, 1999, p. 926.

2. Dulles, A., "Revelation, Theology" in *New Catholic Encyclopedia*, Vol. 12, p. 193.

3. *Tresor de la langue francaise*

4. "Revelation", in *Encyclopedia of Christian Theology*, edited by Jean Yves Lacoste, Vol 3, London and New York: Routledge 2005, p. 1383.

۳) الهام (خروج ۱۳: ۶؛ ملاکی ۱: ۱؛ رومیان ۴: ۱۱). وحی به معنای «الهام» و حلول روح القدس در مصنفان کتب مقدس است.<sup>۱</sup>

در الاهیات، این واژه عموماً اشاره به اقدامی است که خدا از طریق آن، مشارکت در علم خود، از جمله آگاهی عمیق از خود را به خلائق می‌بخشد. چنین ارتباطی فراطبیعی است، زیرا فراتر از چیزهایی است که آدمی می‌تواند با قوای اختصاصی خود به آنها پی ببرد.<sup>۲</sup>

اما وحی به این امور محدود نیست. ممکن است خدا راه‌های فراطبیعی را برای ابراز حقایقی مناسب بداند که فهم آنها به خودی خود خارج از توانایی‌های عقل نیستند. حقیقت وحی این واقعیت است که وحی سخن مستقیم خدا با بشر است. اما این ارتباط ممکن است از طریق واسطه صورت گیرد. وحی به طور فشرده در بخشنامه شورای واتیکان «ایمان کاتولیک»<sup>۳</sup> تبیین شده است. اعتقادنامه «لامنتابیلی»<sup>۴</sup> (سوم ژوئیه، ۱۹۰۷)، با محکوم کردن موضع مخالف، اظهار می‌کند که اعتقادات جزمی‌ای را که کلیسا به عنوان وحی ابراز می‌کند، «حقایقی هستند که از آسمان نازل شده‌اند»<sup>۵</sup> و نه «تفسیر واقعیت‌های دینی‌ای که ذهن بشر به سختی به دست آورده است».<sup>۶</sup>

وحی آن گونه که توضیح داده شده کاملاً متفاوت است با:

● الهام اموری که خدا به صاحب یک کتاب مقدس عطا می‌کند؛ زیرا الهام گرچه مستلزم اشراق خاص ذهن است و به موجب آن، آدمی دریافت‌کننده اندیشه‌هایی از این قبیل است که خدا مایل است او به نگارش بپردازد، لزوماً ابلاغ فراطبیعی این حقایق محسوب نمی‌شود.

● روشن‌بینی‌هایی که ممکن است خدا گهگاه به یکی از مؤمنان ببخشد تا اهمیت حقیقتی دینی را که تا به حال به طور مبهم فهمیده شده است، آشکارا بفهمد؛

● امداد الهی که به واسطه آن، پاپ هنگام عمل به عنوان معلم عالی مقام کلیسا، از همه خطاها در مورد ایمان یا اصول اخلاقی مصون می‌ماند.<sup>۷</sup>

۱. جیمز هاکس، قلموس کتاب مقدس، ص ۹۰۵.

2. Dulles, A., "Revelation, Theology" in *New Catholic Encyclopedia*, Vol. 12, p. 193.

3. "De Fide Catholic"

4. the Decree "Lamentabili"

5. *veritates e coelo delapsoe*

6. prop., 22.

7. Joyce, G. H., "Revelation", tr. Douglas J. Potter, [www.ncwadvent.org](http://www.ncwadvent.org).

## تاریخچه وحی پژوهی در مسیحیت

پس از ذکر معانی وحی و تبیین مفهوم آن، اینک خوب است که پیشینه بحث وحی را در تاریخ مسیحیت مورد توجه قرار دهیم. تا قرون اخیر، مسیحیان وجود وحی و فهم‌پذیری آن را مسلم می‌دانستند؛ از این رو دربارهٔ وحی به معنای دقیق کلمه، سخنان اندکی گفته شده است.

احکام کلیسا بیشتر مربوط به ذکر مضامین وحی در پاسخ به بدعت‌های خاص است. در قرون وسطا، کلیسا مکرراً علیه انکارهای مانویان نسبت به یکی بودن خدای عهد قدیم و عهد جدید<sup>۱</sup> بیانیه می‌دادند.<sup>۲</sup> شورای لاتران چهارم، که این نکته را بسط داد، در ۱۲۱۵ اظهار داشت که خدا «از طریق موسی و پیامبران مقدس و بندگان دیگرش، به ترتیب در برهه‌های زمانی مختلف» «تعالیم سودمند» را به بشریت عرضه کرده است، و اوج آن در عملی است که از طریق آن، «تنها پسر مولود خدا، عیسی مسیح... با وضوح بیشتر، راه زندگی را آشکار کرد».<sup>۳</sup>

بنابه مصوبهٔ شورای ترنت، که در سال ۱۵۴۵ به دستور پاپ پل سوم تشکیل شد، کتاب مقدس عبارت است از نسخهٔ لاتینی (وولگات). سنت نیز هم‌وزن کتب مقدس شمرده شد.<sup>۴</sup> شورای ترنت در بحث خود از مراجع معتبر الهی برای تعالیم به طور ضمنی به ماهیت وحی پرداخت. این شورا اعلام کرد که بشارت مسیحی، که «سابقاً در کتب مقدس توسط پیامبران وعده داده شده است»، نخست توسط عیسی مسیح به طور شفاهی اشاعه داده شد. سپس رسولان، بر اساس آنچه از عیسی مسیح شنیده بودند، تحت تعلیم روح‌القدس، به گسترش آن پرداختند.<sup>۵</sup>

در قرن نوزدهم، تعدادی از اشتباهات اساسی راجع به وحی و ایمان به باد انتقاد گرفته شد. ایمان‌گرایان به علت این نقطه‌نظرشان که شواهد معتبر به طور قاطع مؤید ایمان نیست، مورد نکوهش قرار گرفتند.<sup>۶</sup> عقل‌گرایان و لادری‌گرایان به ترتیب به خاطر

۱. مانویان، که متأثر از گنوسی‌ها بودند، خدای عهد قدیم را فروتر و خدای عهد جدید را برتر می‌دانستند. (م)

2. e.g., H. Denzinger, *Enchiridion symbolorum* [32d ed. Freiburg 1963] 685, 790, 854.

3. *ibid.* 800801.

۴. جان بایر ناس، تاریخ جامع ادیان، ص ۶۸۸.

5. *ibid.* 1501.

6. *ibid.* 27512756, 27652769.

انکار امکان وحی و نفی امکان فهم وحی مطرود شدند.<sup>۱</sup> همچنین این موضع شبه عقل‌گرایانه، که با بلوغ کامل عقل بشری همه اعتقادات جزئی مسیحی را می‌توان با علم و فلسفه و بدون توسل به مقامات کلیسا اثبات کرد، رد شد.<sup>۲</sup>

در شورای اول واتیکان (۱۸۶۹-۱۸۷۰) که به دستور پاپ پیوس نهم تشکیل شد، دو بخشنامه در مدت هشت ماه تدوین شد که در نخستین بخشنامه آن، موضوع «وحی» مورد توجه قرار گرفت.<sup>۳</sup> تعالیم کلیسا راجع به امکان، تحقق و ماهیت وحی را شورای واتیکانی اول عرضه کرد و این آموزه را مشروع شمرد که دانش بشری دارای دو نظام متمایز است: معرفت طبیعی، یعنی عقل و معرفت فراطبیعی، یعنی وحی.<sup>۴</sup> گرچه عقل بشری قادر است در پرتو نور طبیعی خود به نوعی معرفت از خدا دست یابد، اما خدا از روی خیرخواهی راضی شد که خود و احکام ابدی خود را از راهی فراطبیعی آشکار سازد.

وحی دارای هدفی دو بعدی است: نخست آن که، وحی این امکان را فراهم می‌سازد تا مهم‌ترین حقایق قابل فهم دین را همگان با اطمینان و بدون آمیختگی به اشتباه دریابند؛ دوم آن که وحی این توانایی را به انسان به عنوان مخلوق هوشمند می‌دهد که به سوی آن غایت فراطبیعی که خدا برایش مقدر کرده است، جهت‌گیری کند.<sup>۵</sup> اگر انسان صرفاً تقدیری طبیعی داشت، وحی دارای ضرورت اخلاقی صرف می‌بود، اما با توجه به دعوت آزاد انسان به رؤیت شهودی خدا، وحی برای حصول نجات ضرورت تام دارد. از این رو امور وحی شده نه تنها شامل حقایقی است که عقل انسان می‌تواند با تلاش خود آنها را دریابد، بلکه مهم‌تر از این، دربردارنده اسراری الاهی نیز است که به هیچ‌وجه نمی‌توان بدون وحی بدان‌ها پی برد.<sup>۶</sup> این اسرار، حتی پس از انکشاف همچنان در نزد خدا مستور باقی می‌مانند، به گونه‌ای که انسان می‌تواند آنها را تنها به طور مبهم در زندگی خود درک کند.<sup>۷</sup>

در شورای اول واتیکان، روابط وحی و عقل مورد توجه قرار گرفت. این شورا اظهار کرد که عقل نمی‌تواند هیچ‌گونه پوچی را در واقعیت یا مضامین وحی مسیحی مشاهده

1. *ibid.* 29012907.

2. *ibid.* 2856, 2909.

۳. تونی لین، تاریخ تفکر مسیحی، ص ۴۷۸-۴۷۹.

4. *ibid.* 3004, 3015.

5. *ibid.* 3005.

6. *ibid.* 3015, 3041.

7. *ibid.* 3016.

کند.<sup>۱</sup> در واقع عقل می‌تواند در سایه نشانه‌های قابل قبول فراوان، به‌ویژه معجزات و پیشگویی‌ها، معقول بودن اعتقادورزی را ثابت کند.<sup>۲</sup> هنگامی که ایمان تحقق یابد، عقل می‌تواند به طور ثمربخشی درباره داده‌های وحی تأمل کند. اگر این تأمل با جدیت، پارسایی و تواضع توأم باشد، عقل می‌تواند به دریافتی پرفایده از اسرار نایل آید. چنین دریافتی می‌تواند از مقایسه رازهای وحیانی با یکدیگر و با فرجام نهایی انسان و اموری که به طور عادی دانسته شده‌اند، پدید آید.<sup>۳</sup>

گرایش‌های تجددخواهانه در آغاز قرن بیستم مناسبتی را برای توضیحات بیشتر فراهم کرد. مرجعیت تعلیمی کلیسای کاتولیک<sup>۴</sup> اظهار کرد که وحی صرفاً شور و احساسی نیست که از اعماق ناخودآگاه می‌جوشد. وحی دارای محتوای عقلانی مشخصی است که نه بر پایه شواهد باطنی، بلکه به استناد خدای منکشف پذیرفته می‌شود.<sup>۵</sup> چنین پذیرشی به واسطه شواهد بیرونی معتبر به‌ویژه معجزات و پیشگویی‌ها، که تأثیر خود را بر ذهن مدرن از دست نداده است، تأیید می‌شود.<sup>۶</sup> اصول اعتقادی کلیسا، حقایق وحیانی است؛<sup>۷</sup> آنها در طول زمان به مجموعه عقایدی که دارای معنای دیگری باشند، تغییر نمی‌یابند.<sup>۸</sup>

در شورای دوم واتیکان (۱۹۶۲-۱۹۶۵) که به دستور پاپ جان بیست و سوم تشکیل شد، «وحی الاهی» مورد بحث و اختلاف نظر شدید قرار گرفت و پیش از انتشار سند نهایی مربوط به وحی، در پنج مرحله نسخه‌های تدوین و مورد تجدیدنظر قرار گرفت.<sup>۹</sup> این شورا بخشنامه کاملاً عقیدتی، دی وریوم،<sup>۱۰</sup> را به موضوع وحی اختصاص داد.<sup>۱۱</sup> دی وریوم و نیز کتاب تعالیم کلیسای کاتولیک در ذیل سه عنوان: (۱) وحی خدا، (۲) انتقال وحی و (۳) کتاب مقدس به موضوع وحی پرداخته است. اینک در بخش اول مقاله، به بیان «وحی خدا» در الاهیات کاتولیک و نیز بررسی و نقد آن می‌پردازیم؛ در بخش دوم، دیدگاه کلیسای کاتولیک را در باره «کتاب مقدس» ذکر کرده، مورد نقادی قرار می‌دهیم و

1. *ibid.* 3017, 3027.2. *ibid.* 3009, 3014, 3019, 3033.3. *ibid.* 3016.

4. Roman magisterium

5. *ibid.* 3542.6. *ibid.* 3539.7. *ibid.* 3422.8. *ibid.* 3541.

9. تونی لین، تاریخ تفکر مسیحی، ص ۴۸۹ و ۴۹۱.

10. *Dei Verbum*11. Dulles, A., "Revelation, Theology" in *New Catholic Encyclopedia*, Vol. 12, p 194.

در بخش سوم، نقطه نظر کلیسای کاتولیک مبنی بر پایان یافتن وحی پس از عیسی مسیح را به بحث می‌گذاریم.

## وحی خدا

آنچه سبب ارتباط خدا با انسان و ابلاغ وحی الاهی شد، صفات کمالی خدا، یعنی صفت خیرخواهی و صفت حکیم بودن اوست: «خدا از روی خیرخواهی و حکمتش راضی شد تا خود را آشکار کند و سرّ مشیت خود را بشناساند. مشیت او این بود که تمام آدمیان به کمک روح القدس و از طریق مسیح، یعنی کلمه‌ای که جسم شد، به پدر راه پیدا کنند و بدین ترتیب در ذات الاهی شریک شوند».<sup>۱</sup>

وحی الاهی تنها به صورت کلامی نیست، بلکه به صورت غیرکلامی نیز صورت می‌گیرد و در واقع وحی خدا در عیسی، صورت کامل خود را می‌یابد: طرح وحی الاهی «از طریق اعمال و کلماتی که ذاتاً به یکدیگر وابسته‌اند»<sup>۲</sup> در یک زمان تحقق می‌یابد. خدا به تدریج با انسان ارتباط برقرار می‌کند. خدا انسان را آماده می‌کند تا در طی مراحل وحی فراطبیعی را بپذیرد که این وحی در شخص و رسالت کلمه متجسد، یعنی عیسی مسیح به اوج خود می‌رسد.<sup>۳</sup>

همچنین وحی امری مستمر بوده است که در دوره‌های تاریخی متعددی از طریق نوح، ابراهیم، و موسی رخ نموده است: خدا «از همان آغاز خود را بر پدر و مادر نخستین ما نمایاند».<sup>۴</sup> او آنان را به ارتباط صمیمانه با خود دعوت می‌کند و جامه فیض و عدالت را بر آنان می‌پوشاند. این وحی به سبب گناه پدر و مادر نخستین ما قطع نمی‌شود. «بعد از هبوط، [خدا] آنان را با امید نجات و وعده رستگاری دلگرم کرد و همواره توجه‌اش به نسل بشر را نشان داد. زیرا او می‌خواهد به همه کسانی که با پایداری در اعمال خیر به دنبال نجات‌اند، زندگی جاودان عطا کند».<sup>۵</sup>

پیمان با نوح بعد از طوفان نیز بیانگر اصل تدبیر الاهی نسبت به «امت‌ها» است. این پیمان در طول دوره‌های امت‌ها، به قوت خود باقی می‌ماند<sup>۶</sup> و سپس خدا ابراهیم را

1. DV 2;

2. DV 2.

3. *Catechism of the Catholic Church*, "The Revelation of God," p 19.

4. DV 3; cf. *Jn* 1:3; *Rom* 1:19-20.

5. *Catechism of the Catholic Church*, "The Revelation of God," p. 20.

6. *Catechism of the Catholic Church*, "The Revelation of God," pp. 2021.

برمی‌گزینند: خدا به منظور گرد آوردن بشریت متفرق، ابراهیم را از ولایت خود، مولد خویش و از خانه پدر خود فرا می‌خواند (پیدایش ۱۲: ۱)، و او را ابرام می‌گرداند، یعنی «پدر امت‌های بسیار»؛ «از تو جمیع قبایل جهان برکت خواهد یافت».<sup>۱</sup> ذریه ابراهیم امانت‌دار پیمانی خواهند بود که با مشایخ، یعنی افراد برگزیده، بسته شد و فراخوانده شدند تا برای روزی آماده شوند که خدا تمام فرزندان را در یک کلیسا جمع خواهد کرد. آنان ریشه آن درختی خواهند بود که امت‌ها وقتی ایمان می‌آورند بدان پیوند زده می‌شوند. مشایخ، پیامبران و برخی شخصیت‌های دیگر عهد عتیق در تمام سنت‌های عبادی کلیسا به عنوان قدیس مورد تکریم بوده‌اند و همیشه خواهند بود.<sup>۲</sup>

و آنگاه موسی واسطه وحی الاهی می‌شود: خدا، بعد از مشایخ، اسرائیل را با رهانیدن از بردگی در مصر، به عنوان قوم خود شکل داد. او با آنان عهد کوه سینا را پی‌ریزی کرد و از طریق موسی شریعتش را به آنان عطا کرد تا او را خدای واحد زنده و حقیقی، پدر مآل‌اندیش و داور عادل بدانند و بدین عنوان به او خدمت کنند، و منتظر منجی موعود باشند.<sup>۳</sup>

و در نهایت، عیسی «واسطه و کمال همه وحی‌ها»<sup>۴</sup> است. خدا همه چیز را در این کلمه خود گفته است. در این میان، قدیس یوحنا صلیبی، آیات ۱ و ۲ از نامه به عبرانیان را به نحو شگفت‌انگیزی تفسیر کرد:

او با اعطا کردن پسرش به ما که تنها کلمه‌اش است (زیرا کلمه دیگری ندارد)، به یکباره همه چیز را در این یگانه کلمه‌اش گفته است و چیز دیگری برای گفتن ندارد... زیرا آنچه را به طور پراکنده به پیامبران گفته است، اکنون با اعطای این کل که پسرش است، به یک مرتبه همه چیز را به ما گفته است. هر که چشمانش را بر مسیح کاملاً متمرکز نکند و با تمایل به نوعی بدعت دیگر به سر برده، جویای خدا باشد یا آرزومند نوعی مکاشفه یا وحی باشد، نه تنها به خاطر رفتار احمقانه، بلکه به خاطر رنجاندن او گناهکار خواهد بود.<sup>۵</sup>

1. Gen 17:5; 12:3 (LXX); cf. Gal 3:8.

2. *Catechism of the Catholic Church*, "The Revelation of God," p. 21.

3. *Catechism of the Catholic Church*, "The Revelation of God," pp. 2122.

4. *DV* 2.

5. St John of the Cross, *The Ascent of Mount Carmel* 2, 22, 35 in *The Collected Works of St John of the Cross*, tr. K.Kavanaugh OCD and O. Rodriguez OCD Washington DC: (Institute of Carmelite Studies, 1979), 170180.



نکته آخر آن است که بنابه دیدگاه کلیسای کاتولیک، پس از عیسی مسیح، وحی دیگری نخواهد بود. «بنابراین، تدبیر نجات مسیحی، بدین لحاظ که همان عهد جدید و نهایی است، هرگز از بین نخواهد رفت؛ و پیش از تجلی شکوهمند خداوند ما عیسی مسیح، توقع وحی همگانی جدیدی نمی‌رود».<sup>۱</sup> با این حال، اگرچه وحی از قبل کامل است، معنای آن کاملاً روشن نشده و این بر عهده دین مسیحیت است که به تدریج و در طول قرن‌ها معنای تام خود را دریابد.<sup>۲</sup>

### بررسی و نقد ماهیت وحی در الاهیات کاتولیک

الف. بیان دو برداشت: همان طور که ملاحظه شد وحی به معنی انکشاف خداست؛ این خودمکشوف سازی یا از راه الفاظ است یا از راه‌های غیرلفظی؛ همچنان که کلیسای کاتولیک می‌گوید: «طرح وحی الاهی از طریق اعمال و کلماتی که ذاتاً به یکدیگر وابسته‌اند» در یک زمان تحقق می‌یابد. این کلمات اشاره به «ماهیت وحی» در اندیشه کلیسای کاتولیک است. در باب ماهیت وحی دو برداشت متفاوت وجود دارد که یکی از آنها را اصطلاحاً وحی زبانی و دیگری را وحی غیرزبانی می‌نامند. دیدگاهی را که در دوره قرون وسطا غالب بود، می‌توان تلقی زبانی از وحی نامید. بر اساس این نظر، وحی مجموعه‌ای از حقایق است که در قالب احکام یا قضایا بیان شده است. وحی حقایق اصیل و معتبر الاهی را به بشر انتقال می‌دهد و راهی و رای جریان معمول طبیعت است.<sup>۳</sup> وحی غیر زبانی درست در نقطه مقابل وحی به معنای نخست می‌باشد؛ در این مورد خدا همان گونه که خود را در طبیعت و برخی رخدادها منکشف و نمایان ساخته، در مسیح نیز منکشف کرده است؛ بدین ترتیب مسیح بنده خدا و طرف وحی نبوده، بلکه موجودی است که خدا در آن تجلی کرده و در جسد جسمانی به سوی انسان‌ها آمده است؛ در این صورت خود مسیح وحی متجسد است. بر طبق دیدگاه غیرزبانی، مضمون وحی مجموعه‌ای از حقایق در باره خدا نیست، بلکه خدا از راه تأثیر گذاشتن در تاریخ، به قلمرو تجربه بشر وارد می‌گردد. از این دیدگاه، احکام کلامی مبتنی بر

1. DV 4; cf. 1 Tim 6:14; Titus 2:13.

2. *Catechism of the Catholic Church*, "The Revelation of God," p. 22.

۳. جان هیک، فلسفه دین، ترجمه بهزاد سالکی، ص ۱۳۱-۱۳۲.

وحی نیستند، بلکه بیانگر کوشش انسان برای شناخت معنا و اهمیت حوادث و حیاتی به شمار می‌روند.<sup>۱</sup>

ب. بررسی و نقد وحی زبانی و غیرزبانی: اگر کسی در باب ماهیت وحی قائل شود که وحی مجموعه‌ای از گزاره‌های آسمانی نازل شده است، در این صورت دیگر نمی‌تواند مسیح پیام‌آور را خدا، یا فرزند خدا و یا یکی از سه خدا بخواند: «ای اسرائیل! بشنو، خداوندی که خدای ماست یک خداوند است.» (مرقس ۱۲: ۲۹). «خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب، خدای اجداد ما، بنده خود عیسی را به جلال رسانیده است» (اعمال رسولان ۳: ۲۶). کلام خداوند بر انبیا و رسولانی نازل شده که ایشان نیز بر حسب اصطلاح زبان‌های فرزندان نوع بشر، بر آن وحی مقدس متکلم شوند و وحی مسطور را یا خود نبی و رسول بنفسه می‌نوشت و یا به کاتب دیگر رجوع می‌فرمود.<sup>۲</sup> طبق این تفسیر از وحی، بندگان برگزیده خدا تعالیم و سنن و یا گزارش‌های تاریخی را از مقام ربوبی برمی‌گیرند، و گیرنده وحی، انسانی است برتر که شایستگی ارتباط با عالم بالا را داراست. این تفسیر از وحی در کلام اسلامی نیز مورد قبول است.

اما دیدگاه وحی غیرزبانی بر آن است که خدا خود را از راه‌هایی غیر لفظی، یعنی در طبیعت و رخدادهای تاریخی سرنوشت‌ساز و نیز تجسد در عیسی مسیح نمایانده است. انکشاف خدا در مسیح از آن بخش از عهد جدید برخاسته که به مسیح جنبه الوهی داده است و به آن چیزی است که از نوشته‌های پولس و یوحنا به دست می‌آید، اما این دیدگاه (وحی غیر لفظی) با آیات متعدد دیگر از کتاب مقدس مسیحی ناسازگار است. در اناجیل و فرموده‌های عیسی مسیح در عهد جدید، بارها می‌خوانیم که عیسی خود را بنده و فرستاده خدا می‌داند و از دیگران هم می‌خواهد که خدای یگانه را بپرستند: «خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب، خدای اجداد ما، بنده خود عیسی را جلال داد» (اعمال رسولان ۳: ۱۳). «برای شما اولاً خدا بنده خود عیسی را برخیزانیده، فرستاد تا شما را برکت دهد، به برگرداندن هر یکی از گناهانش» (اعمال رسولان ۳: ۲۶). «عیسی در جواب ایشان گفت: تعلیم من از من نیست، بلکه از فرستنده من» (یوحنا ۷: ۱۶-۱۷). او جز یک پیامبر نبود و همانند دیگر انبیای اولوالعزم رسالت راهنمایی و ارشاد و پیام‌رسانی خدای متعال را انجام می‌داد و هرگز ادعایی همچون فرزند خدا و متحد با

ذات حق بودن نداشت. «عیسی به ایشان فرمود: "پیامبر بی حرمت نباشد، مگر در شهر خود و میان خویشاوندان و خانواده خویش". و در آنجا هیچ معجزه‌ای نتوانست نمود، جز این‌که دست‌های خود بر چند مریض نهاده، ایشان را شفا داد» (مرقس ۶: ۴-۵). مسیح فقط پیام‌های خداوند را می‌رساند و از خود چیزی ندارد: «...من شخصی هستم که که با شما به راستی که از خدا شنیده‌ام، تکلم می‌کنم» (یوحنا ۸: ۴۰). «عیسی به ایشان گفت: "اگر خدا پدر شما می‌بود، مرا دوست می‌داشتید، زیرا که من از جانب خدا صادر شده و آمده‌ام. من خودسرانه پیش شما نیامده‌ام، بلکه خدا مرا پیش شما فرستاده است". برای چه سخن مرا نمی‌فهمید؟... شما از پدر خود ابلیس می‌باشید» (یوحنا ۸: ۴۲-۴۴).

جالب این که اناجیل موجود برای عیسی نسبت‌نامه خاصی می‌نویسند که او از نسل داوود و یا از مادری به نام مریم متولد شده است، جز این که مریم او را از روح القدس باردار شده است. این اعتراف در انجیل لوقا در رابطه با بشارت به مریم چنین آمده است: «روح القدس بر تو نازل خواهد شد و قدرت خدا بر تو سایه خواهد افکند. از این رو، آن نوزاد مقدس پسر خدا خوانده خواهد شد» (لوقا ۱: ۳۵). تعبیر «پسر خدا بودن» در این عبارت، جز یک تعبیر تشریفاتی بیش نیست که به معنای «بنده مقرب خدا» است و گرنه او انسانی فناپذیر و البته پیامبر بود.

بدین ترتیب، بدون شک عیسی مسیح، خود را انسان و بنده فرستاده‌ی خدا می‌دانست و یقین داشت که خداوند او را به پیامبری برانگیخته و مانند دیگر پیامبران بنی اسرائیل برای راهنمایی و ارشاد مردم آمده است. عیسی مسیح، شریعت موسی را قبول داشت و خود را «کامل کننده» آن معرفی می‌کرد؛ عیسی مسیح با صراحت تمام به انسان بودن و پیامبر بودن خود اعتراف دارد و بیان می‌کند که او تکمیل‌کننده‌ی شریعت موسی می‌باشد.<sup>۱</sup>

### کتاب مقدس

خدا خود را در مسیح مکشوف نموده و این انکشاف در کتاب مقدس ثبت گردیده است: «در واقع کلمات خدا، که با کلمات آدمیان بیان شده است، از هر جهت شبیه کلام بشری است، درست همان طور که کلمه پدر ازلی، هنگامی که بدن ضعیف بشری را به خود

گرفت، شبیه آدمیان شد.<sup>۱</sup> بدین دلیل، کلیسا همواره کتب مقدس را محترم شمرده و کتاب مقدس عالی‌ترین مرجع و اساس الاهیات مسیحی است: «کلیسا قوت و قدرتش را دائماً در کتاب مقدس می‌یابد، زیرا کلیسا آن را نه کلام بشری بلکه آنچه واقعاً هست، یعنی کلام خدا»<sup>۲</sup> تلقی می‌کند.<sup>۳</sup>

نکته اول در این بخش از الاهیات کاتولیک آن است که خدا مصنف کتاب مقدس است، زیرا خدا به نویسندگان بشری کتب مقدس الهام کرد. «خدا برای تدوین کتب مقدس افراد خاصی را برگزید، و در تمام مدتی که او آنان را بدین کار گماشت، آنان از استعدادها و قوای خود استفاده کامل کردند، به گونه‌ای که گرچه او در آنان و به واسطه آنان عمل کرد، این مؤلفان حقیقی هر آنچه را او می‌خواست بنویسد، و نه بیشتر، به نگارش درآوردند.»<sup>۴</sup> کتب وحی شده حقیقت را تعلیم می‌دهند. «بنابراین از آنجا که همه اظهارات الهام شده مؤلفان یا نویسندگان مقدس را باید قول روح القدس دانست، باید اذعان کنیم که کتاب‌های عهدین قاطعانه، صادقانه و به دور از اشتباه همان حقیقتی را تعلیم می‌دهند که خدا به خاطر نجات ما خواسته است تا در کتب مقدس مدون شود.»<sup>۵</sup>

نکته دوم آن است که برای تفسیر دقیق کتاب مقدس، خواننده باید به آنچه نویسندگان بشری در حقیقت خواهان اظهار آن بودند و آنچه را خدا با کلام آنان بر ما آشکار کرده است، توجه کند.<sup>۶</sup> برای این که خواننده به نیت نویسندگان الهی پی ببرد باید شرایط زمان و فرهنگ آنان، سبک‌های ادبی مورد استفاده آن زمان، نوع احساس، طرز سخن گفتن و نحوه روایت کردن متداول آن زمان را مدنظر قرار دهد. «زیرا واقعیت این است که حقیقت به نحو متفاوتی در انواع گوناگون نوشته‌های تاریخی، در متون پیشگویانه و شاعرانه، و به دیگر صور بیان ادبی ارائه شده است.»<sup>۷</sup>

شورای واتیکان دوم برای تفسیر کتاب مقدس به طرز هم‌هنگ با روح القدس الهام‌گر، به سه معیار اشاره کرده است:<sup>۸</sup>

۱) توجه ویژه «به محتوا و وحدت کل کتاب مقدس». اگرچه کتاب‌هایی که تشکیل دهنده

1. DV 13.

2. 1 Th 2:13; cf. DV 24.

3. *Catechism of the Catholic Church*, "Sacred Scripture," pp. 2829.

4. DV 11.

5. *Catechism of the Catholic Church*, "Sacred Scripture," pp. 2930.

6. Cf. DV 12, 1.

7. DV 12, 2.

8. DV 12, 4.

کتاب مقدس اند، احتمالاً مختلفند، کتاب مقدس واحد است، زیرا طرح خدا واحد است، و عیسی مسیح محور و قلب آن است و این طرح از زمان فصیح او آغاز شده است. (۲) قرائت کتاب مقدس در «سنت زنده کل کلیسا». طبق قول آباء کلیسا، کتاب مقدس اصولاً در قلب کلیسا نوشته شده است، نه در اسناد و مدارک، زیرا کلیسا در سنت خود مجموعه زنده کلمه خدا را دربردارد و این روح القدس است که تفاسیر روحانی از کتاب مقدس را به آن اعطا می‌کند.

(۳) توجه به تناسب مندی ایمان. مقصود ما از «تناسب مندی ایمان» انسجام حقایق ایمانی در چارچوب کل طرح وحی است.<sup>۱</sup>

نکته سوم آن است که کتاب‌های قانونی کتاب مقدس مشتمل بر کتاب‌های عهد عتیق و عهد جدید است. کتاب‌های عهد عتیق به الهام الاهی است و ارزشی دائمی دارد،<sup>۲</sup> زیرا پیمان قدیم هرگز نقص نشده است. در واقع «جهت‌گیری دقیق تدبیر عهد عتیق آماده‌سازی و اعلان پیش‌گویانه آمدن مسیح، نجات‌بخش همه انسان‌هاست».<sup>۳</sup>

کتاب‌های عهد جدید حقیقت نهایی وحی الاهی را در اختیار ما می‌گذارند. موضوع اصلی آنها عیسی مسیح، پسر متجسد خدا است: اعمال، تعالیم، مصائب و جلال او و شکل‌گیری کلیسایش تحت هدایت روح القدس.<sup>۴</sup>

### بررسی و نقد کتاب مقدس

الف. رابطه وحی و کتاب مقدس: در مسیحیت (از جمله مسیحیت کاتولیک) وحی به معنای کشف الاهی است و مؤسس آیین، مظهر تام و کامل این کشف است، زیرا او خدایی است که آشکار شده به این ترتیب، دیگر کتاب مقدس وحی نیست و اساساً سخن از این نیست که مسیح کتابی از طرف خدا آورده است، بلکه خود عیسی مسیح وحی است و نویسندگانی زندگی و تعالیم عیسی را گزارش کرده‌اند. مسیحیان به این بسنده نمی‌کنند که بگویند خدا پیام خود را به بشر وحی می‌کند، بلکه علاوه بر این برآنند که خدا ذات خود را در تاریخ بشر وحی می‌کند و اسفار کتاب مقدس این وحی ذاتی را آشکار و تفسیر می‌کنند. خدا وحی می‌کند که او کیست، چگونه خدایی است و چه

1. *Catechism of the Catholic Church*, "Sacred Scripture," pp. 3031.

2. *DV* 14.

3. *DV* 15.

4. *Catechism of the Catholic Church*, "Sacred Scripture," pp. 3233.

اوصاف و ویژگی‌هایی دارد... بلکه می‌توان گفت که کتاب مقدس اصولاً تاریخنگاری خدایی است که ذات خود را به عنوان منجی «وحی می‌کند».<sup>۱</sup>

حال سؤال این است که اولاً نوشته‌های کتاب مقدس بر اساس چه معیاری رسمیت یافته‌اند؟ و ثانیاً دلیل اعتبار کتاب مقدس چیست؟ پاسخ سؤال اول این است که ملاک و معیار رسمی شدن هر نوشته مقدس، اجماع جامعه مسیحیان نخستین است؛ این افراد به زمان عیسی و زمان نوشته شدن کتاب‌های مقدس نزدیک بودند و برای تعیین این‌که کدام کتاب می‌تواند زیربنای مسیحیان قرار گیرد صلاحیت داشتند. نسل‌های بعدی مسیحیت معتقد بودند که جامعه نخستین در تشخیص هویت کتاب مقدس از تأیید روح القدس برخوردار بودند.<sup>۲</sup> در نقد این سخن می‌گوییم که اولاً تأیید روح القدس مدعایی است که دلیلی بر آن از سوی کلیسا ذکر نشده است، مگر این‌که در این مورد به مطالب خود کتاب مقدس استناد شود که طبعاً چنین استدلالی دَوْری خواهد بود؛ ثانیاً شواهد تاریخی بر وجود اختلاف فراوان میان بزرگان مسیحیت در سده‌های آغازین این دین حکایت دارد. تنها پس از حاکمیت کلیسای طرفدار پولس و استفاده از اقتدار حکومت در مقابله با دیدگاه‌های رقیب شاهد حاکمیت بلامنازع یک دیدگاه هستیم؛ ثالثاً اتفاق نظر کلیسا بر کتب جدید بدین معنا نیست که کتبی که در قرن دوم در زمره کتب مورد قبول کلیسا واقع شد از نظر مضمون و محتوا با کتب فعلی کاملاً هماهنگ هستند.<sup>۳</sup>

در پاسخ به سؤال دوم می‌گوییم: انسان‌ها برای مهم‌ترین مسئله زندگی، یعنی سعادت ابدی خود به تعلیم مصون از خطا احتیاج دارند. خدا با توجه به ذات و سیرت الهی خود این احتیاج عمیق انسان را برآورده است. از آنجا که خدا مهربان است حتماً برای نجات انسان نقشه‌ای دارد و چون خدا قادر مطلق است نه فقط خود را مکشوف می‌سازد، بلکه قادر است وحی خود را که برای نجات انسان لازم است، به ثبت رساند.<sup>۴</sup> این پاسخ در عنوان زیر به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ب. نقادی کتاب مقدس: از دیدگاه مسیحی، کتابی معتبر است که حقایق را بیان دارد و زمانی جعلی است که نسخه فعلی با اولین نسخه آن تفاوت داشته باشد. پس معتبر بودن،

۱. توماس میشل، کلام مسیحی، ترجمه حسین توفیقی، ص ۲۸.

۲. توماس میشل، کلام مسیحی، ترجمه حسین توفیقی، ص ۵۲-۵۳.

۳. محمدرضا زیبایی‌نژاد، مسیحیت‌شناسی مقایسه‌ای، ص ۱۵۲ و ۱۵۳.

۴. هنری تیسن، الاهیات مسیحی، ترجمه ط. میکائیلیان، صص ۴۳ و ۴۸.

هم به معنای حقیقی بودن مطالب است و هم به معنای صحیح بودن متن. در مورد اعتبار عهد عتیق به دو حقیقت اشاره می‌شود: (۱) مسیح اعتبار عهد عتیق را تأیید کرده است؛ (۲) تاریخ و باستان‌شناسی صحت وقایع کتاب مقدس را تأیید می‌کند. در مورد اعتبار عهد جدید به چهار حقیقت مهم اشاره می‌شود: ۱. نویسندگان عهد جدید دارای صلاحیت بودند؛ ۲. نویسندگان عهد جدید امین و درستکار بودند؛ ۳. نوشته‌های آن با یکدیگر هماهنگی دارد؛ ۴. عهد جدید با تاریخ و تجربه مطابقت دارد.<sup>۱</sup>

خاطر نشان می‌شود که نقادی کتاب مقدس عبارت است از مطالعه و تحقیق درباره نوشته‌های کتاب مقدس، مطالعاتی که در پی داوری‌های ظریف و دقیق در باره این نوشته‌ها است. نقادی کتاب مقدس یا نقد تاریخی کتاب مقدس در بستر نهضت روشنگری پدید آمد. نقد تاریخی مشتمل بر دو بخش است: (۱) نقد ظاهری (۲) نقد محتوایی. نقد ظاهری خود به چند صورت است، مانند نقد نسخه‌شناختی، نقد زبان‌شناختی و نقد سبک‌شناختی. در نقد محتوایی، سه محور از اهمیت بیشتری برخوردارند: (۱) تعارض اکتشافات علمی و کتاب مقدس؛ (۲) معجزات منقول در کتاب مقدس؛ (۳) سرگذشت‌های منسوب به مشایخ و انبیاء.<sup>۲</sup>

در بخش نقد ظاهری، برخی نتایج نقادی کتاب مقدس این بود که نقادان به طور کلی اظهار کردند که موسی نویسنده پنج سفر اول کتاب مقدس نبوده است، بلکه نویسندگان آن لااقل چهار شخص مختلف بودند.<sup>۳</sup> در میان اناجیل چهارگانه، سه انجیل اول با انجیل یوحنا هماهنگی ندارد، بلکه دارای اختلاف فاحشی است. برخلاف انجیل یوحنا، در هیچ یک از اناجیل سه گانه الوهیت عیسی مطرح نشده است. همچنین نظر کلی بر این بود که انجیل یوحنا توسط یوحنا رسول نوشته نشده است.<sup>۴</sup> به عقیده ال. گوردون ریلندز، انجیل ابتدایی گم شده و انجیل پطرس که امروزه از اناجیل غیررسمی کلیساست، تحریری از آن انجیل ابتدایی است که در مجموع از تمام اناجیل قدیمی‌تر است.<sup>۵</sup> انجیل مسیحیان به وضوح سندی بشری و تاریخی و وابسته به زمان‌ها و

۱. هنری تینن، الاهیات مسیحی، ص ۴۳، ۴۸، و ۵۷-۵۵.

۲. عبدالرحیم سلیمانی، «نقادی کتاب مقدس»، هفت آسمان، شماره ۸، ص ۹۷، ۹۹، ۱۰۲ و ۱۰۳.

۳. ویلیام هوردن، راهنمای الاهیات پروتستان، ترجمه ط. طه‌وس میکانیلیان، ص ۳۸.

۴. محمدرضا زیبایی‌نژاد، مسیحیت‌شناسی مقایسه‌ای، ص ۱۴۶.

۵. آرچیبالد رابرتسون، عیسی اسطوره یا تاریخ، ترجمه حسین توفیقی، ص ۱۱۵.

مکان‌های مشخصی در گذشته است.<sup>۱</sup>

در نقد محتوایی، آنچه برای بحث ما مهم است، اعمالی است که به چند شخصیت برگزیده مانند ابراهیم، نوح و داوود نسبت داده شده است. شکی نیست که انبیاء و مشایخی که در کتاب مقدس از آنها به نیکی یاد شده است، آنان برای پیروان این کتاب الگو و سرمشق‌اند. این در حالی است که در کتاب مقدس، اعمالی به این افراد نسبت داده شده است که هرگز با اخلاق سازگاری ندارد.

در نگرش نوین به کتاب مقدس توجه به نظرگاه‌ها و علایق فردی نویسندگان در نگارش این گونه متون و نیز مقتضیات تاریخی عصر زندگی آنها معطوف شده است. آنچه در این میان به تحقق پیوسته، این است که آنها انسان‌هایی عادی بودند که مقبولات زمانه خویش را با مقدار معتدایی افسانه ترکیب کرده، به تحریر در آورده‌اند. بسیاری از نوحواهان به این نتیجه رسیدند که کتاب مقدس ارزش دینی اندکی دارد. از سوی دیگر طرفداران الاهیات اعتدالی با مسلم‌انگاشتن این‌که کتاب مقدس وحی مُنزل نیست و به دست انسان کتابت شده است، آن را با علاقه می‌خواندند و گنجینه‌ای از تعالیم دینی می‌شمردند. بعضی از آنان به جای انکار مفهوم وحی، تعبیر تازه‌ای از آن می‌کردند: خداوند وحی فرستاده است، ولی نه با املائی یک کتاب مصون از تحریف و خطا، بلکه با حضور خویش در حیات مسیح و سایر پیامبران بنی اسرائیل. در این صورت کتاب مقدس وحی مستقیم نیست، بلکه گواهی انسانی بر بازتاب وحی در آینه احوال و تجارب بشری است.<sup>۲</sup>

تحلیل علمی نصوص کتاب مقدس - تحقیقات تاریخی و ادبی که به «انتقاد برتر» موسوم شده بود - به دلایل کاملاً متفاوتی رفته‌رفته خطاناپذیری متون مقدس را مورد چون و چرا قرار داد. بدین‌سان بخشی از شور و شوق مردم به معارضه با وثاقت و اعتبار کتاب مقدس معطوف شد. از این رو برخی از پژوهندگان مفهومی از وحی را ارائه کردند که نکات برجسته سخت‌کیشی نوین و الاهیات اعتدالی را گرد آورده، موضع بینابین پیروان بارت و لیبرال‌های دهه ۱۹۳۰ را طرح می‌کند. طبق این برداشت، وحی در وقایع اصیل و تاریخی‌ای روی داده که هم پای انسان در میان بوده و هم دخالت خداوند. بدین

۱. دان کیوپیت، دریای ایمان، ترجمه حسین کامشاد، ص ۱۰۹.

۲. ایان باربور، علم و دین، ص ۱۳۰ و ۱۳۱.



ترتیب، بنای خداوند بر این نبوده است که یک کتاب مصون از خطایی را املا کند یا تعالیم خطنابذیری را القا کند، بلکه در پی اظهار وقایعی مهم در حیات افراد و جوامع بوده است. خود کتاب مقدس سراپا یک مکتوب بشری است که حکایت‌گر این وقایع و حیانی است.<sup>۱</sup>

لوتر و حتی کالون در تفسیرهایشان از کتاب مقدس اهل انعطاف و آسان‌گیری بودند. از نظر آنان محمل وثاقت و منشأ اعتبار وحی در نص ملفوظ نبود، بلکه در شخص مسیح، یعنی مهبط و مخاطب وحی، نهفته بود. کتاب مقدس از این نظر مهم بود که شاهد صادقی بود بر رویدادهای نجات‌بخشی که در طی آن، محبت و مغفرت الاهی که در مسیح جلوه‌گر شده، در احوال شخصی خود آنان و (سایر مؤمنان) بازتاب می‌یابد. از نظر اصلاح‌گران نخستین، کلمه وحی (کلمة الله یا کتاب الله ناطق) توسط الهاماتی که هر انسانی می‌تواند از روح القدس دریافت تأیید می‌شود.<sup>۲</sup>

بارت بر آن بود که وحی اصلی همان شخص مسیح است، کلمة الله در هیئت انسانی. کتاب مقدس یک مکتوب صرفاً بشری است که گواه این واقعه و حیانی است. فعل خداوند در وجود مسیح و از طریق او تحقق می‌پذیرد، نه در املائی کتاب معصوم. لذا هر آنچه را که انتقاد تاریخی و تحلیل مستند درباره محدودیت‌های بشری نویسندگان کتاب مقدس و تأثیرات فرهنگی بر افکار آنان می‌گوید می‌توان به سمع قبول شنید.<sup>۳</sup>

### پایان یافتن وحی پس از عیسی مسیح

می‌دانیم که خدا در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون و از طریق عوامل مختلف خود را برای انسان‌ها جلوه‌گر ساخته است؛ خدا همواره پیامی را به نبی‌ای برای هدایت قوم خود داده است. این ارتباط‌های لفظی سرانجام نگارش یافتند و به صورت کتابی درآمدند.<sup>۴</sup> اما آیا نزول وحی و کتاب آسمانی جدیدی لازم است؟ کلیسای کاتولیک به صراحت اظهار کرده است که وحی دیگری بعد از حضرت مسیح نخواهد بود: «تدبیر نجات مسیحی، بدین لحاظ که همان عهد جدید و نهایی است، هرگز از بین نخواهد رفت؛ و پیش از ظهور شکوهمند خداوند ما، عیسی مسیح، توقع وحی همگانی جدیدی نمی‌رود».<sup>۵</sup>

۱. همان، ص ۱۲۰ و ۲۶۸-۲۶۹.

۲. همان، ص ۳۵.

۳. همان، ص ۱۴۵.

۴. اف. ای. پیترز، یهودیت، مسیحیت، اسلام، مترجم حسین توفیقی، ج ۲، ص ۴۰.

از تعلیم کلیسای مسیحی به‌ویژه کلیسای کاتولیک، مبنی بر عدم نزول وحی به سوی بشر پس از حضرت عیسی می‌توان دو گونه برداشت کرد. در یک برداشت می‌توان گفت که مقصود آن است که خدا برای رهایی انسان از گناه، ذات خود را در عیسی منکشف کرد و عیسی تنها تجلی‌گاه ذات الوهی است و بنابراین خودمکشوف‌سازی دیگر خدا معنا ندارد. این همان وحی غیرزبانی است که به تفصیل بررسی و رد شد. در برداشت دیگر، بازگشت سخن کلیسا به این است که تحقق هیچ وحی دیگری از سنخ سخن، معنا ندارد؛ لازمه این معنا آن است که محمد ﷺ به دروغ قرآن را به خدا نسبت می‌دهد، خواه آن را نزد انسانی دیگر یاد گرفته باشد و یا آن را با ذهن خلاق خود ساخته باشد. همان‌طور که می‌دانیم از همان اوایل ظهور دین اسلام، پیامبر خدا ﷺ برای اثبات این که قرآن سخن خداست و او به دروغ قرآن را به خدا نسبت نمی‌دهد، منکران را دعوت کرده است که کتابی همچون قرآن از حیث فصاحت و بلاغت و مضامین عالی علمی، تاریخی، فلسفی، کلامی، و عرفانی بیاورند که در عین حال آورنده آن، فردی درس ناخوانده باشد، زیرا محال است یک فرد بشر هر اندازه هم نابغه باشد، بتواند از پیش خود این همه معانی را در سطحی بیاورد که افکار اندیشمندان بزرگ جهان را جلب کند.<sup>۱</sup>

نقطه‌نظر کلیسا در مورد پایان یافتن وحی هم با دلیل عقلی و هم با شواهدی در خود انجیل نیز ناسازگار است. در توضیح دلیل عقلی می‌گوییم: با توجه به نتیجه‌گیری بخش اول مقاله، وحی غیرزبانی به استناد آیات کتاب مقدس و دلیل عقلی مردود است، اما وحی زبانی را می‌توان پذیرفت. در بخش دوم نیز نشان دادیم که کتاب مقدس برخلاف ادعای مسیحیان نه مصون از خطا است و نه اعتبار و اصالت آن در فرآیند نقد ظاهری و نقد محتوایی تأیید می‌شود.، سعادت بشر منوط به وجود کتاب مصون از خطاست، ولی عهدین مصون از خطا نیستند. بنا به مقتضای حکمت الهی مادامی که انسان برنامه جامع زندگی فردی و اجتماعی را دریافت نکرده است، خدای متعال باید رسول و کتاب جدیدی را برای هدایت انسان‌ها ارسال و نازل فرماید.

اما در خصوص شواهد مخالف با دیدگاه الاهیات کاتولیک، گفتنی است که در انجیل یوحنا، عیسی از رهبری سخن می‌گوید که پس از او رهروان راستینش باید چشم امید به او داشته باشند و از او پیروی کنند. متن مزبور صریحاً رهبر مزبور را زیر نام یونانی

«پرکلیتوس» معرفی می‌کند که در زبان فرانسه پاراکلت (فارقلیط) شده است: «اگر مرا دوست دارید احکام مرا نگاه دارید و من از پدر سؤال می‌کنم و تسلی دهنده (فارقلیط) دیگری به شما عطا خواهد کرد» (یوحنا ۱۴: ۱۵-۱۶).<sup>۱</sup> «فارقلیط دیگر» مبین سنخیت فارقلیط با عیسی است، حال آن که روح القدس این چنین نیست. عیسی به شاگردان خود اعلام می‌کند که به درخواست او و پس از رفتن او خدا فارقلیط دیگری را خواهد فرستاد که همان نقش عیسی را به نحو بسیار کامل‌تر ایفا می‌کند و رهبر نهایی انسان‌ها پس از عیسی می‌شود.

در رساله اول یوحنا تعبیر «روح» بر پیامبران اطلاق شده است: «ای دوستان هر روحی را تصدیق نکنید، بلکه روح‌ها را بیازمایید که از خدا هستند یا نه، زیرا پیامبران دروغگو بسیار به جهان بیرون آمده‌اند» (اول یوحنا ۴: ۱). در نسخه دیاتسرون (*Diatessaron*) که در اواسط قرن دوم به صورت روایتی واحد از انجیل‌های چهارگانه تدوین شده بود، تعبیر «روح پاک» آمده است. تاریخ کلیسای قدیم در امپراطوری روم و ایران، ص ۷۴). در انجیل یوحنا، عیسی می‌گوید: «بسیاری چیزهای دیگر هم دارم به شما بگویم، لکن الان طاقت تحمل آن را ندارید، ولی چون او، یعنی روح راستی آید شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد، زیرا از خود تکلم نمی‌کند، بلکه به آنچه شنیده است سخن خواهد گفت و از امور آینده به شما خبر خواهد داد. او مرا جلال خواهد داد» (یوحنا ۱۶: ۱۳-۱۴). بنابراین او می‌باید یک پیام‌رسان انسانی همانند خود عیسی باشد. با این حال، «بسیار محتمل است که معنای ابتدایی عبارتی که ظهور پیامبری پس از عیسی را اعلام می‌کند دستخوش دگرگونی شده باشد، چه این امر با تعلیم کلیساهای نوپای مسیحی که مایلند عیسی آخرین پیامبر و بلکه خود خدا باشد منافی بوده است» (تورات، انجیل، قرآن و علم، ص ۱۴۸). همچنین تاریخ سرزمین‌های فلسطین گواه این معناست که احبار و راهبان بسیاری تمام عمر در انتظار ظهور طلیعه خورشید خاتم رسولان حق به سر می‌بردند. آری آن فارقلیط موعود که تمام چیزهای ناگفته عیسی و موسی و سایر پیامبران را گفت پیامبر خاتم حضرت محمد ﷺ بوده است.<sup>۲</sup>

اسلام سومین دین بزرگ نبوی غرب، ریشه در پیام‌های وحیانی‌ای دارد که حضرت محمد ﷺ دریافت می‌کرد. این پیام‌های وحیانی اندکی پس از رحلت پیامبر اسلام

جمع‌آوری شد و به صورت قرآن درآمد. اسلام گرچه جایگاه نبوی حضرت موسی و حضرت عیسی را تأیید می‌کند، اما قرآن را نسخه صحیح و کامل همه کتاب‌های سابق می‌داند.<sup>۱</sup>

### خاتمه

وحی را می‌توان ابلاغ یک حقیقت توسط خدا به مخلوق خردمند از طریق ابزارهایی دانست که فراتر از جریان عادی طبیعت هستند. حقایق وحی شده ممکن است هر چیزی باشد که از طریق دیگر برای ذهن بشر دست‌نیافتنی است - اسراری که حتی هنگامی که وحی می‌شوند، عقل انسان ناتوان از دریافت کامل آنهاست. در الاهیات مسیحی (از جمله مسیحیت کاتولیک)، وحی به معنای کشف الاهی است و مؤسس آیین، مظهر تام و کامل این کشف است، زیرا او خدایی است که آشکار شده. به این ترتیب، دیگر کتاب مقدس وحی نیست و اساساً سخن از این نیست که مسیح کتابی را از طرف خدا آورده است، بلکه خود عیسی مسیح وحی است و نویسندگانی زندگی و تعالیم عیسی را گزارش کرده‌اند.

دیدگاه کلیسای کاتولیک در باره وحی و کتاب مقدس، به خوبی در مصوبات شوراهای جهانی کلیسا منعکس است. بنابر مصوبه شورای ترنت (۱۵۴۵) کتاب مقدس همان نسخه لاتینی (وولگات) است و سنت هم‌وزن کتب مقدس شمرده شد. در شورای واتیکانی اول (۱۸۶۹-۱۸۷۰) که به دستور پاپ پیوس نهم تشکیل شد، دو بخشنامه در مدت هشت ماه تدوین شد که در قسمتی از نخستین بخشنامه آن، موضوع «وحی» مورد توجه قرار گرفت. در شورای واتیکانی دوم (۱۹۶۲-۱۹۶۵) که به دستور پاپ جان بیست و سوم تشکیل شد، «وحی الاهی» مورد بحث و اختلاف نظر شدید قرار گرفت و پیش از انتشار سند نهایی مربوط به وحی، پنج نسخه تدوین و مورد تجدید نظر قرار گرفت.<sup>۲</sup>

در بخش اول مقاله گفته شد که بر طبق سند نهایی شورای واتیکانی دوم و نیز متن تعالیم کلیسای کاتولیک، وحی در طول تاریخ مراحل را پشت سر گذاشته است. خدا با نوح و تمام موجودات زنده یک پیمان ابدی بست. خدا ابراهیم را برگزید و با او و

1. "Revelation" in MerriamWebster's Encyclopedia of world Religions, Springfield, Massachusetts, 1999, p. 927.

۲. تونی لین، تاریخ تفکر مسیحی، ص ۴۸۹ و ۴۹۱.

ذریه‌اش پیمان بست. خدا با این پیمان قومش را به وجود آورد و به واسطه موسی شریعتش را بر آنان آشکار ساخت. خدا با فرستادن پسرش خود را کاملاً آشکار ساخت و عهدش را در او برای همیشه پایدار ساخت. این پسر کلمه نهایی پدر است، به طوری که وحی دیگری بعد از او نخواهد بود.

در تحلیل ماهیت وحی دو نظر بیان شد: نظریه اول، آن را وحی غیرزبانی قلمداد می‌کند و این به معنای تجسد خدا در مسیح است؛ بر حسب این دیدگاه وحی از مقوله فعل و حادثه است، نه از مقوله سخن و گفتار، و مسیح با معجزاتش وجود خدا را آشکار می‌سازد. همچنین در وحی عیسوی دو هدف وجود دارد: ۱) کشف سرّ الاهی و تجلی وجود ذات اقدس خدا در وجود مسیح؛ ۲) نجات انسان‌ها و بخشودن گناه آنان در اثر خدا شدن عیسی و تحمل قتل بر صلیب.<sup>۱</sup> در نقد این دیدگاه باید گفت که عیسی ناصری هرگز ادعا نکرد که او عنصری فراطبیعی و الوهی است، بلکه بر عکس، وی بر طبق کتاب مقدس مسیحیان، تصریح کرده که بنده خدا و رسول اوست (اعمال رسولان ۲۶:۳؛ ۱۳:۳ و یوحنا ۷:۱۶). همچنین اصحاب و حواریون او نیز او را به پیامبری قبول داشتند، نه به خدایی. افزون بر این، ذکر نسب‌نامه برای عیسی در اناجیل موجود شاهد دیگری بر انسان بودن اوست.

نظریه دوم در باب ماهیت وحی، آن را وحی زبانی می‌داند، یعنی مجموعه‌ای از حقایق که در قالب احکام و قضایا بیان شده است. بر اساس این نظریه، مسیح انسانی است که خدا به همان شیوه مخصوص پیام‌رسانی به تمام پیامبران با او سخن می‌گوید و عیسی گیرنده وحی تشریحی الاهی و مظهر قدرت، حکمت و رحمت خداست. بدیهی است میان آن که انسان در پرتو عنایت‌های ویژه حق تعالی و تلاش در راه تقرب به او، ولایت تکوینی پیدا کند و مظهر صفات خدا گردد و آن که خود خدا بشود، بسیار فرق است، چه این‌که اولی امری معقول و مدعای پیامبران الاهی است و دومی امری مستحیل و نامعقول.<sup>۲</sup> با توجه به دلیل عقلی و نیز بر اساس متون کتاب مقدس و قرآن، مسیح بشری همانند دیگران بود و تجسد خدا در او محال و موهوم است. تلقی اسلام آن است که وحی، اعلان و ابلاغ اراده خداست، نه انکشاف ذات او.<sup>۳</sup>

۱. ابراهیم امینی، وحی در ادیان آسمانی، ص ۱۷۱-۱۷۲.

۲. محمدباقر سعیدی روشن، تحلیل وحی، ص ۱۴۳.

3. "Revelation" in MerriamWebster's Encyclopedia of world Religions, Springfield, Massachusetts, 1999, p. 927.

در بخش دوم مقاله گفتیم که از دیدگاه کلیسای کاتولیک، کتاب مقدس مشتمل بر کلمه خدا و الهام الاهی است. خدا مؤلف کتاب مقدس است، زیرا او آن را به مؤلفان بشری الهام کرده است؛ بدین ترتیب او اطمینان می‌دهد که نوشته‌های آنان، حقیقت نجات‌بخش او را «بدون خطا» تعلیم می‌دهند. عهد عتیق برای عهد جدید زمینه‌سازی می‌کند و عهد جدید، عهد عتیق را محقق می‌سازد و هر دو کلام خدا هستند. بدین ترتیب، بنا به دیدگاه کلیسای کاتولیک، خدا مصنف کتاب مقدس، پس خطاناپذیر است. اما بررسی‌های محققان کتاب مقدس با این دیدگاه سازگار نیست. پیشرفت پژوهش‌های مربوط به کتاب مقدس رهیافت‌های تازه‌ای را نسبت به وحی پدید آورده است. در پرتو این پژوهش‌ها، پنج کتاب اول عهد عتیق نشانه‌هایی از مؤلفان متعددی را به دست می‌دهد. بررسی دقیق تفاوت سبک‌ها، واژگان و فکر دلالت بر این رد که این کتاب‌ها مجموعه‌ای از چندین روایت و متعلق به زمان‌های مختلفی است که هشتصد سال پس از موسی به رشته تحریر درآمده است. تحلیل مشابهی از انجیل یوحنا و تفاوت‌های آن با سایر اناجیل از نظر سبک و محتوا، محققان را به آنجا رسانده است که آنها را صرفاً سیره مسیح بدانند که بیش از نیم قرن بعد از به صلیب کشیدن او نوشته شده است.

در بخش سوم گفتیم که مسیحیت کاتولیک منکر وحی دیگری پس از عیسی است و بنابراین لزوماً منکر وحی بودن قرآن و حجیت الاهی آن است. در برابر این انکار، تحدی حضرت محمد ﷺ قرار دارد؛ ایشان از همه کسانی که منکر منشأ خدایی قرآن هستند، خواسته است تا کتابی آسمانی با ویژگی‌های منحصر به فرد قرآن بیاورند. گذشته از این، با دلیل عقلی می‌توان ضرورت نزول وحی جدید، یعنی قرآن آسمانی را نشان داد: بررسی‌های محققان نشان داده که کتاب مقدس مسیحیان اولاً وحی منزل و کتابی مصون از خطا نیست و ثانیاً دارای تعالیمی ناظر به همه ابعاد زندگی انسان نیست. بر این اساس، می‌توان گفت که حکمت الاهی اقتضا می‌کند تا خدا مادامی که برنامه جامع زندگی فردی و اجتماعی را عرضه نکرده، رسولی را برای هدایت انسان‌ها ارسال کند تا بر همه اتمام حجت شود. قرآن کریم، آخرین کتاب آسمانی، در میان همه صحف کهن، و نوشتاری بی‌مانند است و از جنبه‌های بلاغت، ارائه برنامه برای تعلیم و تربیت و ایجاد نظام عادلانه اجتماعی معجزه‌جاودانه است. قرآن کتابی است که معارف اعتقادی و قوانین عملی آن بطلان‌ناپذیر است. از دیدگاه مسلمانان قرآن مجید به چیزی جز وحی

الاهی وابسته نیست؛ قرآن وحی خدا، وحی حقیقی و پیامی با عبارات روشن و کامل و نهایی شناخته می‌شود. قرآن برای دسترسی به وحی الاهی به چیزی فراتر از خود دعوت نمی‌کند.<sup>۱</sup>

مسلمانان معتقدند که همان‌گونه که وحی به موسی آخرین وحی الاهی نبود، وحی به عیسی نیز آخرین وحی آسمانی نبود. قرآن آخرین و کامل‌ترین وحی نازل شده بر محمد ﷺ، کتابی سعادت‌آفرین و رستگاری‌بخش است. پیامبر اسلام ﷺ برای آن که ثابت کند که قرآن سخن خداست و ساخته ذهن او نیست و او به دروغ، قرآن را به خدا نسبت نمی‌دهد، منکران بعثت خود را دعوت کرده‌اند که کتابی همچون قرآن از حیث فصاحت و بلاغت و مضامین عالی علمی، تاریخی، فلسفی، کلامی، عرفانی بیاورند و در عین حال آورنده آن، فردی درس ناخوانده باشد و آنگاه به آنان گوشزد کرده است که اگر ناتوان از چنین کاری بودید، مبدء الاهی داشتن قرآن و معجزه بودن آن را بپذیرند.

## کتابنامه

- Dulles, A., "Revelation, Theology" in *New Catholic Encyclopedia*, Second Edition, Vol. 12, Washington DC:Gale 2003, pp 193198.
- Joyce, G. H., "Revelation", translated by Douglas J. Potter, available at: [www.newadvent.org/cathen/13001a.htm](http://www.newadvent.org/cathen/13001a.htm).
- Lacoste, JeanYves, "Revelation" in *Encyclopedia of Christian Theology*, edited by JeanYves Lacoste, vol. 3, London and New York: Routledge 1999, pp 13831391.
- "Revelation" in *Merriam-Webster's Encyclopedia of World Religions*, Springfield, Massachusetts: MerriamWebster, 1999, pp 926927.
- Catechism of the Catholic Church*, "Sacred Scripture," London:Burns & Oats 1999, pp 2834.
- Catechism of the Catholic Church*, "The Revelation of God," London:Burns & Oats 1999, pp 1922.
- امینی، ابراهیم، وحی در ادیان آسمانی، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
- باربور، ایان، علم و دین، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۴ ش.
- پیترز، اف. ای.، یهودیت، مسیحیت، اسلام، ج ۲، ترجمه حسین توفیقی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴ ش.
- تیسن، هنری، الاهیات مسیحی، ترجمه ط. میکائیلان، انتشارات حیات ابدی.
- رابرتسون، آرچیبالد، عیسی اسطوره یا تاریخ، ترجمه حسین توفیقی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۸ ش.
- زببایی نژاد، محمدرضا، مسیحیت‌شناسی مقایسه‌ای، تهران: سروش، ۱۳۸۲ ش.
- سبحانی، جعفر، مدخل مسائل جدید در علم کلام، ج ۲، قم: مؤسسه امام صادق، ۱۳۷۵ ش.
- سعیدی روشن، محمدباقر، تحلیل وحی، تهران: اندیشه، ۱۳۷۵ ش.
- سلیمانی، عبدالرحیم، «نقادی کتاب مقدس»، هفت آسمان، شماره ۸، زمستان ۱۳۷۹ ش.
- کیوپیت، دان، دریای ایمان، ترجمه حسین کامشاد، تهران: طرح نو، ۱۳۷۶ ش.
- لین، تونی، تاریخ تفکر مسیحی، ترجمه روبرت آسریان، تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز، ۱۳۸۰ ش.
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۲، قم: صدرا، ۱۳۷۴ ش.



پیشگام  
بررسی نقادانه وحی و کتاب مقدس در الاهیات کاتولیک / ۱۴۷

میشل، توماس، کلام مسیحی، ترجمه حسین توفیقی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۱ ش.

ناس، جان بی، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۵ ش. هاکس، جیمز، قاموس کتاب مقدس، تهران: اساطیر، ۱۳۷۷ ش.

هوردرن، ویلیام، راهنمای الاهیات پروتستان، ترجمه ط. طهوس میکائیلیان، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۸ ش.

هیگ، جان، فلسفه دین، ترجمه بهزاد سالکی، تهران: انتشارات بین المللی الهدی، ۱۳۷۶ ش.